



بررسی تطبیقی رویکرد اخوان المسلمین در

مصر، تونس و ترکیه

سید محمد ساداتی نژاد*

وحید مصاحبی محمدی**

علی باقی نصرآبادی***

چکیده

در این مقاله، به بررسی تطبیقی رویکرد اخوان المسلمین در مصر، تونس و ترکیه پرداخته شده است. اخوان المسلمین در مصر به عنوان خاستگاه این جریان، ترکیه به عنوان اخوانی که موفق شده به حاکمیت برسد و اخوان تونس به عنوان جریانی که موفق به ورود به عرصه سیاسی شده، جهت بررسی تطبیقی در این پژوهش، انتخاب شدند.

در ابتدا به بررسی موردی رویکرد اخوان المسلمین در هر یک از کشورهای مصر، ترکیه و تونس پرداخته و وجوه تمایز و اشتراکات کلی آنها معین شد. سؤال اصلی پژوهش این بود که کدام یک از این جریان‌ها دارای اثرگذاری بیشتری بر تحولات جهان اسلام و نظام بین الملل بوده‌اند. در نتیجه پژوهش، فرضیه مقاله، مورد تأیید قرار گرفت که هیچ کدام از جریان‌های اخوان المسلمین با وجود همه ظرفیت‌ها، توسعه و رشد شبکه‌ای در جهان اسلام و فعالیت‌های سیاسی در این کشورها، نهایتاً موفق نشده است تأثیرات شگرف و قابل توجهی را از منظر سیاسی و بین‌المللی در سطح جهان اسلام و نظام بین‌الملل ایجاد کند و فعالیت‌های آن به سود سکولارها، حکام مستبد و قدرت‌های استکباری، تمام شده است.

جریان اخوان در کشورهای اسلامی یا موفق به کسب و تثبیت قدرت نشده، مانند

* پژوهشگر روابط بین‌الملل و مدیرعامل جمعیت ندای صلح.

** کارشناسی ارشد علوم سیاسی.

*** استادیار دانشگاه.

اخوان مصر یا در قالب و چارچوب سکولارها فعالیت نموده، مانند اخوان ترکیه یا با اتخاذ رویکردی دوگانه و متناقض بعد از کسب موقعیت، تلاش کرده تا از اخوان آرمان‌های آن فاصله بگیرد، مانند اخوان تونس.

کلیدواژه‌ها: اخوان المسلمین، مصر، تونس، ترکیه، جهان اسلام، نظام بین‌الملل.

مقدمه

امروزه جهان اسلام با مشکلات عدیده داخلی و منطقه‌ای، دست‌وپنجه نرم می‌کند. اختلاف میان حاکمان جهان اسلام، تفرقه و پراکندگی مسلمین، سوءاستفاده دشمنان و قدرت‌های استکباری، ظهور جریان‌های مختلف افراط‌گرا به‌ویژه گروه‌های تکفیری اخیر در جهان اسلام، رشد تروریسم، همه، بخشی از مشکلات و بحران‌های امروز مسلمانان است. در این میان، جریان‌های مختلف در جهان اسلام، هر یک دارای نقش و آثار مثبت یا منفی در جهت ایجاد، رفع، کاهش یا افزایش این مشکلات در جهان اسلام بوده‌اند که باید شناخت و ارزیابی لازم از این جریان‌ها و چگونگی رویکرد آنها به‌منظور نحوه تعامل با آنها به‌درستی صورت گیرد.

جریان اخوان المسلمین، یکی از جریان‌های عمده و اساسی در جهان اسلام است که در کشورهای بسیاری ریشه دوانده و دارای آثار و تأثیراتی بر تحولات جهان اسلام و نظام بین‌الملل بوده است. شناخت این جریان و بسترهای شکل‌گیری آن و تأثیرات آن بر جهان اسلام و نظام بین‌الملل، برای نحوه تعامل با این جریان و ارزیابی آن بسیار کلیدی و مهم است.

به همین منظور در این مقاله تلاش شده تا به بررسی رویکرد اخوان المسلمین به‌صورت تطبیقی در چند کشور پرداخته شود. سؤال اصلی این مقاله آن است که کدام یک از جریان‌های اخوان المسلمین در مصر، ترکیه و تونس، دارای اثرگذاری بیشتری بر تحولات جهان اسلام و نظام بین‌الملل بوده است؟ فرضیه مقاله آن است که هیچ‌کدام از این جریان‌ها دارای تأثیرگذاری شگرفی بر تحولات جهان اسلام و نظام بین‌الملل نبوده و این جریان، باوجود برخی دستاوردهای مثبت، نتوانسته به آرمان خود که بازگشت به

اسلام اصیل بوده و به اثرگذاری متناسب آن در منطقه و جهان، دست یابد.

دلیل انتخاب مصر، ترکیه و تونس برای بررسی تطبیقی در این پژوهش، به جهت این بوده است که این سه کشور از کشورهای مهم و اثرگذار در جهان اسلام هستند که جریان اخوان المسلمین در آنها به توفیقات بیشتری دست یافته و موفق شد در ساختار قدرت و نظام سیاسی برای خود، جایگاه قابل توجهی پیدا کند.

اخوان المسلمین اصول و افکار

اخوان المسلمین به عنوان یک تشکل اسلام گرا، دارای سابقه فعالیت تشکیلاتی نزدیک به یک قرن، در سال ۱۹۲۸م، توسط حسن البناء تأسیس شد. درواقع با تشکیل اخوان المسلمین در مصر، سنگ بنای اولین جنبش اسلام گرا گذاشته شد.^۱ جمعیت اخوان، زائیده مقتضیات سیاسی و اجتماعی مصر در نخستین سال های پس از جنگ جهانی اول بود؛ ازجمله این مقتضیات می توان به رواج بی دینی میان روشنفکران و درس خواندگان و گسترش فکر علمانیت پس از پیروزی کمال آتاتورک و برانگیخته شدن احساسات سیاسی مصریان در پی انقلاب ۱۹۱۹م، بر ضد انگلیس و آرزوی همگانی ایشان برای اصلاح اوضاع داخلی مصر اشاره کرد. ولی جریان اخوان از یک سو برای حاکمیت تعالیم اساسی اسلام بر زندگی اجتماعی و سیاسی مصر می کوشیدند و از سویی دیگر، هدف آنان تحقق یگانگی عرب و برافکندن یوغ آن قدرت های اروپایی بود که به وطن اسلامی، دست درازی کردند.^۲

افکار و اندیشه های اخوان المسلمین به عنوان یک جنبش اسلامی و همچنین یک گروه سیاسی، مبتنی بر آموزه های اسلامی است. البته در طول زمان و با توجه به دگرگونی های مختلف در شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، تحولاتی نیز حتی در حد کشیده شدن به سمت برخی جریان های تکفیری و افراطی در اندیشه ها و افکار این جنبش

۱. خواجه سروی و دیگران، «بیداری اسلامی و جریان های اسلام گرا»، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال دوم، ش ۳، ص ۴۰-۵.

۲. عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ص ۲۶.

به چشم می خورد.

در بررسی اهداف کلی حاکم بر اندیشه اخوان از آغاز شکل گیری تاکنون، می توان گفت، سه موردی که ذکر خواهند شد، اهدافی هستند که تقریباً بین همه جریان های اخوان در کشورهای مختلف عربی و اسلامی مشترک می باشد. گرچه برخی از گروه های جریانی ممکن است به دلیل مصالح قدرت، افکار و اندیشه های خود را به صورت روشن بیان نکنند.

این موارد، عبارت اند از:

۱. حاکمیت دین: بر این اساس، حاکمیت مطلق در امور دین و دنیا منحصر به عبادت نیست؛ بلکه حکومت کردن و دولت مداری را هم دربر می گیرد؛
۲. فقدان مرزهای جغرافیایی: اسلام، قائل به وجود مرزهای جغرافیایی نیست و تمایز بر اساس تابعیت خونی را قبول ندارد. از نظر اسلام، همه مسلمان ها یک امت واحد هستند و وطن اسلامی آنها یکی است.
۳. تمسک به اندیشه حکومت اسلامی: اخوان المسلمین اعتقاد دارد که خلافت، رمز وحدت اسلامی و مظهر ارتباط بین امت های اسلامی است و بر همه مسلمانان واجب است به این موضوع به عنوان یک اصل اسلامی، اهتمام ورزند. اخوان، تفکر خلافت و تلاش جهت اعاده آن را سرلوحه امور خود قرار داده است. حسن البناء تأکید می کرد که حکومت باید به تعالیم اسلام رجوع کرده و آنها را در جامعه به طور مسالمت آمیز اجرا کند و از افکار قدیم و جدید شرقی و غربی تا حدی که با تعالیم اسلام منافات نداشته باشد، استفاده کند.^۱

همچنین می توان اصول تمامی جریان های اخوان المسلمین در کشورهای مختلف را نیز عمده تاً بر قالب شش اصل، دسته بندی کرد. این اصول عبارت اند از:

۱. تفسیر و توضیح کامل قرآن کریم با بازگشت به اسلام اصیل و زدودن غبار گذشته

۱. سلطانی فرد، محمدحسین، «تحولات خاورمیانه، دگردیسی سیاسی»، ماهنامه تحلیل ها و رویدادها، ویژه نامه تحولات خاورمیانه، سال بیست و پنجم، ش ۶۰۵.

تاریخی از چهره آن و پاک کردن ناخالصی و دروغ و خرافات از ساحت مقدس آن؛
۲. متحد ساختن ملل اسلامی بر پایه اصول قرآنی، بازگشت به اسلام اصیل و تربیت
نسل جدید بر مبنای اصول آن تا ملت آینده، ملتی قرآنی باشد. نزدیک کردن دیدگاه‌های
فرقه‌های مختلف اسلامی به یکدیگر؛

۳. رشد ثروت ملی و حفاظت از آن از طریق بالابردن سطح زندگی، عدالت اجتماعی
فردی و گروهی، تضمین فرصت‌های برابر برای همگان، محدود کردن نفوذ خارجی در
اقتصاد مصر، تشویق صنایع داخلی و تشکیل اتحادیه‌های کارگری به منظور ارتقای سطح
زندگی اقتصادی و اجتماعی زحمت‌کشان؛

۴. نوع دوستی و خدمات اجتماعی، تلاش برای محو بی‌سوادی، بیماری و فقر و
تشویق به انجام کارهای مفید، عام‌المنفعه و سودآور؛

۵. آزادی تمامی کشورهای عربی و سرزمین‌های اسلامی از چنگال خارجی‌ان، کمک
به اقلیت‌های اسلامی در تمامی سرزمین‌ها برای آنکه بتوانند حقوق از دست‌رفته خویش را
به دست آورند، حمایت از اتحاد عرب، تلاش مستمر در راه تشکیل جامعه بین‌المللی
اسلامی؛

۶. تلاش برای ایجاد جامعه‌ای بر مبنای اصول اخلاقی - چه مادی و چه معنوی - از
طریق قوانین جهانی اسلام.^۱

در ادامه به بررسی اخوان المسلمین در سه کشور مصر، تونس و ترکیه پرداخته
می‌شود.

مروری بر رویکرد جریان اخوان المسلمین مصر

اخوان المسلمین مصر در پاسخ به تجدید حیات طلبی سنی قرن بیستم در سال ۱۹۲۸م،
توسط حسن البناء در اسکندریه تأسیس شد.^۲ جریان اخوان بعد از تأسیس، ابتدا توانست
در امتداد مرز شرقی دلتا در شهر اسماعیلیه، پورسعید، سوئز و ابوصویر و در مرز غربی تا

۱. سیدالحسینی، اسحاق، اخوان المسلمین بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر، ص ۸۲.

۲. دکمجان، هرابر، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص ۱۴۸.

شبراخیت، چندین شعبه ایجاد کند. در نتیجه نبوغ البناء، در طی پنج تا شش سال نخست، اخوان به یکی از نیرومندترین سازمان‌های سیاسی - مذهبی مصر تبدیل شد.^۱ گرچه اخوان المسلمین در مصر، خیلی سریع رشد کرد، ولی در مقاطع مختلفی، از سوی حاکمیت مصر، سرکوب شد. یکی از این مقاطع در اواخر سال ۱۹۴۸م، بود که اخوان المسلمین بزرگ‌ترین خطر برای پادشاهی مصر تشخیص داده شد. اخوانی‌ها در جنگ ۱۹۴۸م، اعراب و اسرائیل با تمام توان برای آزادسازی فلسطین تلاش کردند و نیروهایشان را در سه محور مصر، سوریه و اردن برای حمله به رژیم صهیونیستی گسیل داشتند. در پی اقدام اخوانی‌ها، دولت مصر به وحشت افتاد و پس از اتمام جنگ، این جماعت به تهدید امنیت ملی متهم شد. چندی بعد محمود فهمی النقراشی، نخست‌وزیر مصر که این اتهام را به اخوان وارد کرده بود، ترور و کشته شد. انگشت اتهام به سمت اخوان رفت، ولی حسن البناء آن را رد کرد. وقتی ضارب نقراشی، عبدالمجید حسن دستگیر شد، معلوم شد از اعضای اخوان بوده که به خدمت پلیس درآمده و از این طریق به وزارت کشور راه پیدا کرده و این ترور را انجام داده است. سرانجام حسن البناء نیز در ۱۲ فوریه ۱۹۴۹م، توسط عوامل دولت نقراشی پاشا ترور شد.^۲

با این وجود، اخوان المسلمین مصر، مجدداً موفق شد تا خود را بازسازی کند و عناصر اخوان زیر نظر و رهبری صالح العشماوی، شروع به تشکل و سازمان‌دهی مجدد کردند. با روی کار آمدن حزب وفد در سال ۱۹۵۱م، اخوان مجدداً فعالیت‌های خود را آغاز کرد و تماس‌هایی میان اخوان المسلمین و افسران آزاد برای براندازی رژیم برقرار شد. گرچه در اولین سال انقلاب، روابط اخوان با رژیم نظامی، صمیمی و غالباً دوستانه بود؛ اما در اواسط ۱۹۵۳م، معلوم شد که عبدالناصر، رهبر شورای فرماندهی انقلاب، قصد برپایی حکومتی غیرمذهبی دارد و نه تشکیل یک جامعه اسلامی.^۳

انباشت اختلاف‌ها، در نهایت منجر به انحلال اخوان، توسط عبدالناصر در سال

۱. ابراهیم، محمد و دیگران، جنبش اسلامی، ص ۲۲.

۲. دکمجیان، هرابر، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص ۱۵۲.

3. Dekmejian, R-H, 1957, Egypt under nasir, Albany:SunyPress,1957.

۱۹۵۴م، شد و شماری از رهبران اخوان بازداشت شدند. عبدالناصر، ناسیونالیسم ملی مصر را بازتعریف کرد و سوسیالیسم و ناسیونالیسم عربی را در داخل و خارج توسعه داد. گرچه محور انقلاب مصر، جمال عبدالناصر بود؛ اما در این روند، اخوان المسلمین نیز وی را یاری کرده بود. با این وجود، اخوان نتوانست از این انقلاب، اندوخته‌ای برای خود ذخیره کند و از این حرکت انقلابی برای پیشبرد اهداف خود استفاده نماید. نتیجه این انقلاب، حاکمیت جریان ملی‌گرا و ناسیونالیسم مصر و تقویت پان‌عرب‌یسم در منطقه غرب آسیا شد. در این مقطع، تلاش‌های اخوان برای بازگشت به اسلام اصیل بی‌نتیجه ماند.^۱

در اوایل دهه ۶۰ که ناصریسم گرفتار جدایی سوریه، جنگ یمن و مشکلات اقتصادی شد، مرحله ظهور مجدد اخوان در ۱۹۶۴م، فرا رسید. ناصر اخوان را آزاد کرد تا بتواند به رویارویی با کمونیست‌ها بپردازد؛ اما اخوان یک‌بار دیگر در معرض اتهام توطئه، قرار گرفت. اعضای برجسته اخوان از جمله سید قطب اعدام شدند و صدها نفر از اعضا به زندان افتادند. اخوان، این بار نیز دچار سرکوب شد و نتوانست از ظرفیت‌های خود برای تقویت جریان اسلام‌گرا و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در مصر استفاده کند.^۲

پس از شکست مصر در جنگ ۱۹۶۷، اخوان المسلمین بار دیگر فرصت بازگشت پیدا کرد، خلا سیاسی و ایدئولوژیک بعد از جنگ، فرصت مناسبی بود تا اخوان المسلمین برای تجدید حیات خود اقدام کند. همچنین با مرگ ناصر در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۰، مانع بزرگ برای رشد اسلام‌گرایی مدنظر اخوان از میان برداشته شد. قدرت‌یافتن انور سادات نیز به اخوان المسلمین فرصت بی‌نظیری داد تا حضور خود در زندگی مصر را به اثبات رساند.^۳

برخی از اعضای این جنبش نیز با پردازش‌های افراطی در اندیشه‌های سید قطب، به سمت اندیشه‌های افراطی‌گری و سلفیسم رفتند و گروه‌های اخوانی سلفی یا تکفیری را تشکیل دادند. این جریان با تمام افت‌وخیزهایی که داشت، نهایتاً در سال ۲۰۱۱م و با وقوع انقلاب‌های عربی، موفق شد جنبش مصر را در دست بگیرد و با سقوط مبارک، به

۱. دکمجان، هرابر، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص ۱۵۵.

۲. همان، ص ۱۵۴.

۳. همان، ص ۱۵۵.

قدرت برسد و مرسی یکی از اعضای این جنبش توانست به ریاست جمهوری مصر برسد. در دوران مرسی، رویکرد وی تا حدودی مماشات در قبال برخی از اصول اخوان مانند آمریکاستیزی، اسرائیلستیزی و غربستیزی بود با این هدف که در قدرت بماند؛ اما همین موضوع و اعتماد وی به جریان غرب‌گرا و به عربستان و قدرت‌های ارتجاعی منطقه از علل شکست و سقوط وی بود. با این وجود می‌توان گفت، اخوان مصر در مقایسه با اخوان در کشورهای دیگر، بیشتر به اصول اولیه اخوان، پایبند بوده است.

مروری بر رویکرد جریان اخوان المسلمین تونس

بسیاری از کارشناسان، جنبش النهضة در تونس را بخشی از اخوان المسلمین می‌دانند. النهضة اگرچه رسماً اعلام نکرده است که بخشی از اخوان المسلمین است از نظر فکری و سیاسی، قرابت و وابستگی خاصی به اخوان دارد و از آن الهام گرفته است.^۱ اگرچه هسته اولیه النهضة در سال ۱۹۷۲م، شکل گرفت، تشکیل این جنبش تا حد زیادی تحت‌تأثیر انقلاب اسلامی ایران بود؛ هرچند که در ادامه، به‌دلیل قرابت مذهبی و فرهنگی، گرایش آن به‌سوی اخوان المسلمین هر روز بیشتر شد و راشد الغنوشی، رئیس و مؤسس النهضة از اعضای دفتر جهانی ارشاد اخوان المسلمین شد.^۲ غنوشی در سال ۲۰۱۳م در کنگره جهانی اخوان المسلمین در ترکیه به‌عنوان رئیس دفتر سیاسی اخوان المسلمین جهان انتخاب شده و این امر به این معناست که وی، فرد شماره دوم اخوان المسلمین در سراسر جهان است. این جنبش که پس از سرنگونی بن علی در تونس قدرت یافت، مواضع نزدیکی با دولت اخوانی مصر داشت و هنگام سرنگونی مرسی، کودتای نظامیان را محکوم کرد. با این حال، گرایش‌های اقتصادی و حتی سیاسی النهضة با اخوان متفاوت است. النهضة علاوه بر نگاه معتدل‌تر به دموکراسی و احزاب، به بازار آزاد و لیبرالیسم اقتصادی معتقد است^۳ که این موضوع نیز به‌سبب تحولات و الزامات

1. Lewis, Aidan (2011), "Profile: Tunisia's Ennahda Party", BBC, Retrieved 28 October.

۲. الشروق (۲۰۰۹)، أزمة مرشد الإخوان تعاد التنظيم العالمية، ۲۹ ديسمير.

3. Kaminski, Matthew (2011), "On the Campaign Trail with Islamist Democrats", The Wall Street Journal, Retrieved 26 October, Available at: <http://online.wsj.com/news/>

محیط‌های داخلی دو کشور است.

جنبش اسلامی تونس، ریشه در برخورد ایدئولوژی مدرن بورقیبه در دهه ۵۰ دارد. حبیب بورقیبه در میان رهبران عرب در بیان شیفتگی خویش به غرب، بی‌پروا تر و صریح‌تر بود.^۱ نقش بورقیبه در تونس همانند نقش کمال آتاتورک در ترکیه لائیک بود.^۲ بورقیبه در مسیر نوسازی، دست به اقداماتی زد که جایگاه مؤسسات کهن دینی را سست نمود.^۳ به همین دلیل، تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جدیدی در تونس رقم زده شد که مهم‌ترین آن تأسیس جنبش النهضة بود.^۴

اقدامات بورقیبه با توجه به سکولار بودن هیچ‌گاه موجب انقطاع فکری جامعه تونس با مبانی اسلامی نشد. ابتدا نهضتی گسترده و خونین در ۱۷ ژانویه ۱۹۶۱م، واقع شد که رجال مذهبی، رهبری آن را بر عهده داشتند. این قیام مردمی به رهبری عبدالرحمن خلیف، در سال ۱۹۶۱م، به شدت سرکوب شد.^۵ بعداً حرکت اتجاه الاسلامی (النهضة) در فاصله سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۱م، توسط راشد الغنوشی در تونس تأسیس شد. او معروف‌ترین چهره اسلام‌گرا، متفکر و از طرفداران حسن البناء و جریان اخوان المسلمین بود.^۶

جنبش النهضة، ابتدا در دانشگاه سیدی یوسف تونس مخفیانه آغاز به کار کرد. در ادامه این جنبش، به انجمن حفاظت از قرآن کریم پیوست. با افزایش طرفداران در سال ۱۹۷۹م، مخفیانه به برگزاری جلسه افتتاحیه اقدام کرد. در این کنفرانس، نام جماعت

articles/SB10001424052970204777904576651361230968584?mod=googlenews wsj & mg-ren o 64 w sj&url=http%3A%2F%2Fonline.wsj.com%2Farticle%2FSB10001424052970204777904576651361230968584.html%3Fmod%3Dgooglenews_ws.

۱. تراب الزمزمی، عبدالمجید، تونس فی مواجهة التضييل، ص ۱۲۴.

۲. وناس، المنصف، الدولة و المسئلة الثقافية فی التونس، ص ۶۸.

۳. تراب الزمزمی، عبدالمجید، تونس فی مواجهة التضييل، ص ۱۲۸.

۴. آجیلی، هادی، «واکاوی و دگردیسی سیاسی جنبش اسلام‌گرای اخوان المسلمین تونس (النهضة)»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، ش ۱، ص ۱۰۱-۱۰۰.

۵. همان، ص ۱۶.

۶. همان.

اسلامی برای جنبش انتخاب شد و راشد الغنوشی به رهبری آن انتخاب شد. در سال ۱۹۸۱م، جماعت اسلامی منحل و جنبش الاتجاه الاسلامی شروع به فعالیت کرد. در کودتای ۱۹۷۸م، ژنرال زین العابدین بن علی علیه بورقیبه جنبش از دولت کودتا حمایت کرد و آن را زمینه‌ساز ورود به مرحله جدیدی دانست و دولت تونس نیز در مقابل امتیازاتی همچون اعاده حیثیت و اعتبار مرکز دینی، بازگشایی دانشکده الزيتونة و تبدیل آن به دانشگاه الزيتونة را برای جنبش قائل شد. راشد الغنوشی در مرحله بعدی، به همراه عبدالفتاح مورو، صلاح الدین جورشی و حمیده النیفر، جمعیت پاسداران قرآن کریم را در ۶ ژوئن ۱۹۸۱م، تأسیس کرد و در یک کنفرانس مطبوعاتی، مهم‌ترین مبانی آن را به این شکل تشریح کرد: رد اصول سکولاریسم، ارتباط و پیوند این جنبش با تمام مسلمانان جهان، به رسمیت نشناختن قومیت عربی، نگرشی به مسئله فلسطین به عنوان ثمره انحراف تمدنی و فرهنگی، آزادی فلسطین تنها از طریق آزادی اعراب از بند استعمار و استثمار و ایجاد سازمان‌هایی که بیانگر منافع توده مردم باشند.^۱

درواقع می‌توان گفت، النهضة در ابتدای حاکمیت خود، از یک طرف سعی کرد با مصالحه با احزاب سکولار، رضایت آنان را جلب کند و از یک طرف با تسامح در برابر نیروهای تندرو سلفی، سعی کرد تا رضایت نیروهای انقلابی را جلب کند. موضوعی که از اشتباهات این جریان بود. همین مسئله، از یک طرف، عاملی برای شکاف درونی گروهی شد و از یک طرف به تشدید مخالفت جریانات سکولار منتهی شد.^۲

اخوان و النهضة بعد از انقلاب‌های عربی فصل جدیدی از حیات سیاسی را آغاز کردند که به دوران طولانی زندان و تبعید آنها پایان داد و راشد الغنوشی و بعد از او رهبران جماعت اخوان یکی پس از دیگری به صحنه قدرت سیاسی بازگشتند؛ اما تاکتیک‌ها و تفکرات آنها بعد از به قدرت رسیدن، نتایجی کاملاً متفاوت در پی داشت.^۳

راشد الغنوشی رهبر حزب النهضة در دهمین کنگره جنبش که از ۲۰-۲۲ مه ۲۰۱۶م،

۱. همان، ص ۶.

۲. همان، ص ۹.

۳. تراب الزمزمی، عبدالمجید، تونس فی مواجهة التضييل، ص ۱۲۴.

برگزار شد، اعلام کرد که این حزب عبارت اسلام سیاسی را از پسوند خود حذف خواهد کرد. او در بهار ۲۰۱۶م، نیز به صراحت بیان کرد که النهضة دیگر یک جریان تبلیغی و دینی نیست و به عنوان یک حزب سیاسی فعالیت می کند. الغنوشی و همراهان او معتقد بودند که تونس و مصالح تونس بر مصالح النهضة، مقدم است و این یعنی اولویت مصالح ملی به مسائل جهان و نتیجه یک تغییر بزرگ تر در اندیشه و عمل النهضة بود.^۱

در مجموع باید گفت، الغنوشی در حال تبدیل شدن به رهبر جناح نوگرای اخوانی است که قصد دارد نگاه خود را از هیمنه وحدت گرایان اخوان خارج کند و به دنبال ایجاد یک دولت مدنی است که بر اساس توافق مدنی با حفظ ارزش های مذهبی در آن می باشد. در حقیقت، جنبش النهضة به نوعی حداقل گرایی معرفتی پایبند است که بر اساس آن، رویکردی عمل گرا یا التزام حداقلی به ارزش ها و اصول اسلامی را در پیش گرفته است. اتخاذ چنین رویکردی به آنان این امکان را داده که قدرت خویش را تثبیت کرده و در جهت تداوم حیات سیاسی و توسعه آن گام بردارند. در این مسیر النهضة در ارزش ها، هنجارها و انگاره های هویت ساز خود تجدیدنظر کرده و هویت و منافع جدیدی را برای خود تعریف کرده است که از جمله آنها اعلام جدایی اخوان و تبدیل از یک حرکت فراملی به حزب وطنی بوده است.

در نتیجه این رویداد، نفوذ سی ساله اخوان المسلمین در شمال آفریقا، به شدت کاهش یافت و موقعیت این جنبش در دیگر سرزمین های عربی نیز با تزلزل روبه رو شد. گرچه اتخاذ این رویکرد به النهضة این امکان را داده که قدرت خویش را تثبیت کرده و در جهت تداوم حیات سیاسی و توسعه آن گام بردارد، ولی موجب کاهش اثرگذاری این جریان در تونس و خارج از تونس می شود.

مروری بر رویکرد جریان اخوان المسلمین ترکیه

امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) از متفکین شکست خورد و طبق

۱. آجیلی، هادی، «واکاوی و دگردیسی سیاسی جنبش اسلام گرای اخوان المسلمین تونس (النهضة)»، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، ش ۱، ص ۹.

توافق سایکس-پیکو تجزیه شد. عمر امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۲۳م، میلادی با ایجاد جمهوری ترکیه رسماً پایان یافت. بعد از آن مصطفی کمال پاشا که بعدها نام آتاتورک را برای خویش برگزید و جمهوری ترکیه امروزی را تأسیس کرد. تفاوت جریان اخوان در ترکیه با مصر و تونس در همین نکته است. به دلیل فضای دموکراتیک ترکیه، جریان اخوان در این کشور نیز تلاش کرد تا در قالب احزاب اسلام‌گرا و تأسیس احزاب دارای گرایش اسلامی رشد کند. در دوره اوزال،^۱ از سال ۱۹۸۳م، به بعد، شاهد بازشدن فضای سیاسی در کشور ترکیه هستیم که این مسئله به رشد و بروز اسلام‌گرایی مجدد کمک ویژه‌ای می‌کند و اسلام‌گرایان دارای گرایش‌های اخوانی به‌طور ناگهانی از پوشش محافظه‌کاران قبلی خود خارج شده و در قالب احزاب سیاسی مستقل اسلام‌گرا به عرصه رقابت انتخاباتی وارد شدند که با استقبال مردم ترکیه نیز روبرو شد. استمرار این روند سبب شد تا احزاب اسلام‌گرا بتوانند در مدتی کوتاه به قدرتمندترین و بزرگ‌ترین احزاب ترکیه تبدیل شده (حزب رفاه در دهه ۱۹۹۰م) و اسلام‌گرایی در این کشور جنبه قانونی و رسمی پیدا کند؛ به‌نحوی که نمایندگان اسلام‌گرا در پارلمان ترکیه توانستند، دست به انتخاب یک نخست‌وزیر اسلام‌گرا به نام نجم‌الدین اربکان بزنند.^۲

اربکان درواقع پدر جریان‌ها و افراد اسلام‌گرا در ترکیه است و اکثر اسلام‌گرایان جدید، شاگردان اربکان بوده‌اند. درواقع، بعد از مرگ اوزال در دهه ۹۰، بود که سلیمان دمیرل از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۰م، رئیس‌جمهور ترکیه شد و زمینه برای ظهور نجم‌الدین اربکان فراهم شد. او حزب رفاه را در سال ۱۹۸۷م، تأسیس کرد و در سال ۱۹۹۶م در زمان ریاست جمهوری سلیمان دمیرل به قدرت رسید و یک سال نخست‌وزیر ترکیه بود. تفکرات اولیه اسلام اربکانی، زمینه را برای بروز اسلام اردوغانی در ترکیه فراهم کرد. عبدالله گل و اردوغان از شاگردان اربکان بودند که بعدها از وی جدا شده و حزب عدالت و توسعه را

۱. خلیل تورگوت اوزال بهه ترکی استانبولی Halil Turgut Özal : متولد ۱۳ اکتبر ۱۹۲۷، ملطیه- متوفای ۱۷ آوریل ۱۹۹۳، آنکارا هشتمین رئیس‌جمهور ترکیه بود.

۲. کاظمی، احمد، «مرثیه اربکان بر فراز لایتسم ترکیه»، کد 441728، سایت جوان آنالین، آدرس: <https://www.javann.ir/001que>

تأسیس کردند.^۱ رجب طیب اردوغان خود را شاخه‌ای از جریان اسلام‌گرای سیاسی نجم‌الدین اربکان می‌دانستند و تحت‌تأثیر انقلاب اسلامی ایران در راستای تشکیل یک حکومت دینی در ترکیه فعالیت می‌کردند،^۲ رشد گرایش‌های اخوانی در ترکیه عمدتاً در زمان اربکان بود. تفاوت جریان اخوان در ترکیه با تونس و مصر و کشورهای دیگر در آن است که جریان اخوان در ترکیه از ابتدا، هیچ‌گاه به‌صورت صریح اعلام نکرده‌اند که اخوانی هستند و همواره سعی کرده‌اند از اینکه چنین برچسبی به آنها زده شود فاصله بگیرند؛ زیرا در این صورت، قطعاً امکان فعالیت حزبی و سیاسی از آنها در ترکیه گرفته می‌شد. اربکان ابتدا حزب نظام ملی را در سال ۱۹۷۰م، تأسیس کرد که فقط یک سال بر کار ماند و به دستور دادگاه تعطیل شد. سپس حزب سلامت ملی را در سال ۱۹۷۲م، تأسیس کرد که عمر آن تا ۱۹۸۱ یعنی چند ماه پس از کودتای نظامی کنعان آورن طول کشید. اربکان و شاگردان او در سال ۱۹۸۳م، حزب رفاه را تأسیس کردند و این حزب بود که بعدها توانست کابینه تشکیل دهد و در سال ۱۹۸۷م از هم پاشیده شد. البته یک سال پیش از آن، رجایی کوتان از شاگردان اربکان به سفارش استاد خود که تعطیلی حزب را پیش‌بینی کرده بود، حزب فضیلت را همراه با عبدالله گل و دیگران تأسیس کرده بود. در کنگره نخست این حزب در سال ۲۰۰۰م، بین دو جناح سنتی و نومحافظه‌کار حزب، تنش در گرفت. کوتان به‌عنوان رهبر محافظه‌کاران در کنگره ۶۳۳ رأی به دست آورد و عبدالله گل به‌عنوان رهبر جریان نومحافظه‌کار که انتقاداتی علیه اربکان و شاگردان او داشت، توانست ۵۳۳ رأی به‌دست آورد. این رأی‌گیری در ظاهر منجر به شکست گل شد؛ اما میزان آرای بالای او موجب شد تا گل، اردوغان، به لنت آرنچ و دیگر یاران نزدیک آنها حزب جدیدی به نام حزب عدالت و توسعه را تأسیس کنند.^۳

۱. «میزگرد ترکیه و تجدد: بررسی تاریخ تحولات ترکیه»، آدرس: <http://akharinkhabar.ir/analysis/2740555>

۲. واعظی، محمود، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، ص ۲۲۶-۲۲۵.

۳. سایت العالم، «شادی اردوغان به‌شیوه اخوان‌المسلمین»، آدرس:

<https://fa.alalamtv.net/news/1758230/%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%AF-%D8%A7%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D9%84%D9%85%DB%8C%D9%86-%D8%B1%D9%88%DB%8C-%D9%85%DB%8C%D8%B2->

حزب عدالت و توسعه به عنوان یک جریان اخوانی در ترکیه که از سال ۲۰۰۲م در ترکیه قدرت را در اختیار دارد از حیث ایدئولوژیک با اخوان المسلمین مصر دارای پیوندهای عمیق و گسترده است. اردوغان در زمان پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات شهرداری‌ها، شادی خود را به شیوه اخوان المسلمین مصر نشان داده بود و انگشت خود را به نشانه رابعه بلند کرد که نماد حامیان اخوان در مصر و تحصن آنها در میدان رابعه العدویه مصر بود.^۱ او همچنین در اقدامی دیگر، نماد اخوان المسلمین مصر را بر روی میز کار خود قرار داد و در تصویری که از زمان مکالمه تلفنی او با اوباما منتشر شد، نماد رابعه را بر روی میز خود قرار داده بود. روی این مجسمه، شعار اخوان یعنی امت واحد، پرچم واحد، وطن واحد و دولت واحد درج شده بود.^۲

گرچه حزب عدالت و توسعه، اخوانی است؛ اما میان اصول و آرمان‌های این جریان که در قالب یک حزب سیاسی نمود پیدا کرده، با آنچه اخوان مصر به آن اعتقاد دارد، تفاوت‌های فاحشی وجود دارد. گرچه به نظر می‌رسد شیوه اتخاذ شده از سوی اخوان ترکیه، یک تاکتیک برای دستیابی به قدرت و حفظ قدرت می‌باشد، ولی به هر حال این جریان که بالاترین مقام قدرت را در ترکیه در دست دارد، اصراری بر بازگشت به اسلام اصیل ندارد و خوانشی از اسلام را در ترکیه در پیش گرفته که با سیستم سیاسی این کشور و سکولاریسم، قابل جمع باشد.

فاصله‌گیری اردوغان از آموزه‌های جریان اخوان به حدی است که برخی معتقدند، دولتی به نام عدالت و توسعه و جنبش‌های منسوب به این حزب وجود ندارد و آنچه هست هژمونی و تسلط رجب طیب اردوغان است و اینکه بعد از آتاتورک، مردی در قامت اردوغان وجود نداشته که این گونه بر حیات سیاسی ترکیه تسلط و تأثیر داشته باشد.

→ %D8%A7%D8%B1%D8%AF%D9%88%D8%BA%D8%A7%D9%86--%D8%B9%DA%A9%D8%B3

۱. سایت العالم، «اردوغان کیست و چگونه به قدرت رسید»، آدرس:

<https://fa.alalamtv.net/news/1622067/%D8%A7%D8%B1%D8%AF%D9%88%D8%BA%D8%A7%D9%86-%DA%A9%DB%8C%D8%B3%D8%AA-%D9%88-%DA%86%DA%AF%D9%88%D9%86%D9%87-%D8%A8%D9%87-%D9%82%D8%AF%D8%B1%D8%AA-%D8%B1%D8%B3%DB%8C%D8%AF%D8%9F>

۲. همان.

اردوغان هم در سپهر سیاست داخلی و هم در عرصه سیاست خارجی، نفوذ کامل دارد. برخی معتقدند یک ایدئولوژی جدید به نام اردوغانیسم در برابر گفتمان کمالیسم و سکولاریسم در ترکیه، قابل تعریف و شناسایی است^۱ و نه یک گفتمان اسلامی جدید مبتنی بر مبانی و آرمان‌های اخوان المسلمین.

تطبیق رویکرد اخوان المسلمین در سه کشور مصر، تونس و ترکیه

گرچه جنبش‌های اخوانی عمدتاً موفقیت‌های خوبی را در بسیج مردمی از خود نشان داده‌اند.^۲ ولی در مجموع، این بسیج مردمی نتوانسته در راستای استقرار دین اسلام و بازگشت به اسلام اصیل در سه کشور مصر، تونس و ترکیه منجر شود. اخوان در مصر که بعد از انقلاب بیداری اسلامی، موفق شد به قدرت برسد، با کودتای السیسی سقوط کرد و رهبران اخوان از جمله، مرسی زندانی شدند و نهایتاً اخوان که تنها یک سال در قدرت بود، نتوانست کار خاصی انجام دهد. اخوان ترکیه نیز که گرچه به ظاهر اسلامی است؛ اما برای حفظ قدرت و بعضاً به دلیل روحیات شخصی اردوغان، آن گونه که باید به دنبال زنده کردن شعائر اسلامی نیست و از نام اسلام، برای تثبیت قدرت خود، بهره‌برداری حزبی و سیاسی می‌کند. اخوان تونس و النهضة نیز که اخیراً وابستگی خود به اخوان را کم کرده و حتی اعلام نموده که وابستگی خود را به اخوان قطع می‌کند و در مسیر یک حزب ملی برای ماندن در قدرت، حرکت می‌کند و نتوانسته اسلام و ارزش‌های اسلام را در زمانی که به قدرت رسید، دنبال نماید و با شکست مواجه شد. به نظر می‌رسد جریان اخوان در هر سه کشور مصر ترکیه و تونس، مقهور جریان سکولاریته یا استبدادگرا شده و نتوانسته از بسیج مردمی در راستای ایجاد یک انقلاب اسلامی حقیقی، بهره ببرد.

بررسی رویکردهای سیاسی اخوان المسلمین در مصر، تونس و ترکیه نشان می‌دهد که هر یک از این جریان‌ها برای تداوم حیات خود، رویکرد متفاوتی را درپیش گرفته‌اند.

۱. گل محمدی، ولی و دیگران، «اردوغانیسم و فهم سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۷۳، ص ۷۵.

۲. رمضان، طارق، «اخوان المسلمین تاریخ یک جنبش از بنیادگرایی تا مردم‌سالاری»، ندای اسلام، سال یازدهم و دوازدهم، شماره ۴۴-۴۵؛ ۶۶-۶۵.

جریان اخوانی ترکیه، دستیابی به قدرت و ابقاء در قدرت را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند و جریان اخوانی نومحافظه‌کار در ترکیه که عبدالله گل و اردوغان ازجمله آنها هستند، ترجیح داده تا در چارچوب سکولاریته، فعالیت کنند و عجله‌ای برای بازگشت به اصول و ارزش‌های اسلام اصیل نداشته و در عمل، آن‌گونه که باید متعهد به اهداف اصلی و آرمانی جریان اخوان المسلمین که ازجمله آن اسرائیل ستیزی و غرب ستیزی است، نبوده‌اند.

بسیاری از منتقدان اردوغان در کشورهای اسلامی، وی را دست‌نشانده غرب و مجری سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه دانسته‌اند. موفقیت‌هایی که این کشور در عرصه سیاست خارجی به‌دست آورده بود، به یک‌باره در نتیجه تحولات سوریه، فرو ریخته و تحلیل شد. این سیاست اردوغان، خسارت‌های زیادی را برای ترکیه و سوریه و جهان اسلام به‌همراه داشت و سود و حاصل آن، تنها برای قدرت‌های استکباری بود. مواضع عجولانه جریان اخوانی حاکم در ترکیه مبنی بر مخالفت با بشار اسد و همراهی با تلاش‌ها برای ساقط کردن بشار، نه تنها هیچ نتیجه مثبتی به همراه نداشت؛ بلکه خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به منطقه و جهان اسلام وارد کرد.

از آن سو، جریان اخوان در مصر، گرچه در طول ۹ دهه فعالیت خود، تلاش کرده تا به اصول و آرمان‌های اولیه خود متعهد و پایبند باشد؛ اما از درون دچار اختلاف شده و به تعداد اعضای آن نظرات مختلف، مطرح شده و به شاخه‌بندی‌ها و گرایش‌های مختلف در داخل خود، تقسیم شده است. این جریان با وجود گسترش زیاد و برخورداری از شبکه وسیع، نتوانسته در رسیدن به قدرت و بسیج مردمی موفق عمل کند. از سویی، تجربه به قدرت رسیدن مرسى و مماشات وی در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی و قدرت‌های مرتجع منطقه، به قیمت جان وی تمام شد و ضربه شدیدی به جریان اخوان در مصر وارد شد. این موضوع، نشان داد که این جریان نیز زمانی که به قدرت می‌رسد به دنبال استفاده تاکتیکی و ابزاری از آرمان‌های اسلامی است و با امتیازدادن به سکولارها و آمریکا و رژیم صهیونیستی و قدرت‌های اقتدارگرا، برای حفظ قدرت، تلاش می‌کند که

همین مسئله، موجب سرنگونی آن و عدم حمایت جوانان انقلابی مصر از اخوان شد.

جریان النهضة در تونس نیز بعد از سقوط بن علی و رسیدن به قدرت از درِ مداخلات با سکولارها در آمده و برای جلب رضایت سکولارها تلاش کرد تا وابستگی خود به جریان اخوان را کمرنگ جلوه دهد و از اهداف و اصول اولیه جنبش فاصله بگیرد. گرچه این جریان با اتخاذ این تاکتیک، موفق شده در قدرت باقی بماند اما بدون شک، همراهی و چرخش موضع این جریان، به ضرر اخوان تونس تمام خواهد شد و این همراهی تنها به سود احزاب و گروه‌های سکولار در تونس خواهد بود و نهایتاً جریان اخوان در تونس نیز پایگاه انقلابی خود را در جامعه تونس از دست داده و خواهد داد.

بنابراین، بررسی‌ها نشان داد که در مجموع، رویکرد هر سه گرایش اخوان در سه کشور ترکیه، تونس و مصر، موفقیت‌آمیز نبوده و این جنبش‌ها در مراحل مختلف از اصول و آرمان‌های اولیه اخوان عدول کرده‌اند و همین مسئله عاملی بوده که نیروهای اصیل و انقلابی و مردمی به این جنبش‌ها اعتماد کامل نداشته باشند و این جریانات نتوانند بعد از این همه سال فعالیت، در انجام یک انقلاب اسلامی موفق عمل نمایند و آرمان‌های اولیه خود در راستای بازگشت به اسلام اصیل را عملیاتی نمایند.

در همین راستا، این جنبش‌ها به دلیل اتخاذ رویکردهای التقاطی و ضدونقیض دارای آثار مثبت و ایجابی بسیار محدودی در تحولات جهان اسلام و منطقه بوده و به دلیل اتخاذ سیاست‌های غیراصولی، بعضاً موجب وارد شدن آثار منفی بر جهان اسلام شده‌اند که ازجمله مهم‌ترین آن ظهور داعش و پدیده شوم افراطی‌گری و خشونت‌گرایی در منطقه بود که سیاست‌های اشتباه جریان اخوانی ترکیه و حمایت جریان اخوان مصر و سایر جریان‌های اخوان و مسامحه آنها در قبال این گروه‌ها، یکی از علل رشد داعش و گروه‌های تکفیری در منطقه بود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، رویکرد سه جریان اخوانی در مصر، تونس و ترکیه مورد کنکاش و بررسی

قرار گرفت. هدف این مقاله طبق سؤال اصلی خود، این بود که جریان اخوان در هر یک از این سه کشور چگونه بوده است و چه تأثیراتی را بر تحولات جهان اسلام داشته است. بررسی مختصر سوابق جریان اخوان در این سه کشور نشان داد که گرچه جریان اخوان در هر یک از این سه کشور، موفقیت‌هایی را به دست آورده است؛ اما نهایتاً نتوانسته تأثیرات شگرفی را بر اساس آموزه‌ها و اهداف جریان اخوان در جهان اسلام ایجاد کند. فرضیه این مقاله در نتیجه تطبیق رویکرد اخوان در این سه کشور، مورد تأیید قرار گرفت که تلاش‌ها و اقدامات جریان اخوان در هر یک از این سه کشور یا به سود جریان سکولار تمام شده است، مانند ترکیه و تونس یا به سود جریان اقتدارگرا تمام شده، مانند مصر یا به سود قدرت‌های استکباری بوده، مانند آنچه در تونس و مصر روی داده است. بنابراین نتیجه‌گیری این مقاله، آن است که جریان اخوان در سه کشور مصر، ترکیه و تونس، گرچه دارای تفاوت‌هایی از حیث رویکرد و تعامل با جریان سکولار و سایر گروه‌ها و قدرت‌های استکباری داشته است؛ اما در نهایت هیچ‌کدام از آنها موفق نشده‌اند تأثیراتی را که مدنظر این جریان‌ها بر طبق اندیشه اصیل اخوانی بوده، به دست آورند.

منابع

۱. ابراهیم، محمد و دیگران، **جنبش اسلامی**، تحقیق: جواد اصغری، تهران: اندیشه‌سازان نور، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۲. آجیلی، هادی، «واکاوی و دگردیسی سیاسی جنبش اسلام‌گرای اخوان المسلمین تونس (النهضة)»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال ششم، ش ۱، ۱۳۹۵ ش.
۳. تراب الزمزمی، عبدالمجید، **تونس فی مواجهة التخلیل**، بیروت: دار الروضة، چاپ اول، ۱۹۸۹ م.
۴. حسینی، اسحاق موسی، **اخوان المسلمین بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر**، تحقیق: سید هادی خسروشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۷ ش.
۵. خواجه سروری، غلامرضا، فرهادی، عباس و قمریان، ناهید، «بیداری اسلامی و جریان‌های اسلام‌گرا»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال دوم، ش ۳، ۱۳۹۱ ش.
۶. دکمچیان، هرایر، **جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب**، ترجمه: حمید احمدی، چاپ چهارم، تهران: کیهان، ۱۳۸۳ ش.
۷. ذوالفقاری، محمد، «بازخوانی اسلام سیاسی در تونس»، **مجله پژوهش‌های منطقه‌ای**، ش ۶، ۱۳۹۰ ش.
۸. رمضان، طارق، «اخوان المسلمین تاریخ یک جنبش از بنیادگرایی تا مردم‌سالاری»، ترجمه: ایرج جودت، **ندای اسلام**، سال یازدهم و دوازدهم، شماره ۶۵، ۶۶، ۴۵، ۴۴.
۹. سلطانی‌فرد، محمدحسین، «تحولات خاورمیانه، دگردیسی سیاسی»، **ماهنامه تحلیل‌ها و رویدادها**، ویژه‌نامه تحولات خاورمیانه سال بیست و پنجم، ش ۶۰۵، ۱۳۹۵ ش.
۱۰. سیدالحسینی، اسحاق، **اخوان المسلمین بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر**، تحقیق: سید هادی خسروشاهی، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. صادقی، حامد، **جریان‌ات اسلامی در ترکیه**، تحقیق: حامد صادقی، تهران: انتشارات حوزه هنری، ۱۳۷۶ ش.
۱۲. طاهایی، علی، شاخه‌های اخوان المسلمین و تحولات بهار عربی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های سازمان بسیج دانشجویی، آدرس:

<https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=3&ad=rja&uact=8&ved=0ahUKEwj5hIGh0rjWAhXpJZoKHYO7BaUQFgg0MAI&url=http%3A%2F%2Fwww.bso.ir%2Fgetattachment%2F3ef80e18-e1c7-4d4a-bfd7->

7f9cd376f131%2F10.pdf.aspx&usg=AFQjCNE7Cj0IvSNQpCBuJ8RCt6lufv
Teca

۱۳. عنایت، حمید، **اندیشه سیاسی در اسلام معاصر**، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. فرمانیان، مهدی، **پراکندگی سلفی گری و وهابیت در جهان اسلام**، قم: مؤسسه مطالعات بنیان دینی، ۱۳۹۲ ش.
۱۵. فیرحی، داوود، «جدایی دعوت از دولت»، **ماهنامه مهر**، سال هفتم، ش ۴۸، ۱۳۹۵ ش.
۱۶. فیرحی، داوود، **اخوان المسلمین و تحولات اسلام گرایی در خاورمیانه**، روزنامه آرمان، ۱۳۹۱ ش.
۱۷. گل محمدی، ولی، سجادپور، سید محمدکاظم و موسوی شفائی، مسعود، «اردوغانیسم و فهم سیاست خاورمیانه ای ترکیه»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، ش ۷۳، ۱۳۹۵ ش.
۱۸. واعظی، محمود، **سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه**، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷ ش.
۱۹. وناس، المنصف، **الدولة و المسئلة الثقافية فی التونس**، تونس: دارالميثاق، ۱۹۸۸ م.

سایت ها:

20. <https://akharinkhabar.com>
21. <http://ikhwanonline.com>
22. <http://online.wsj.com>.
23. <http://www.aljazeera.com>.
24. <http://fa.alalamtv.net>.
25. <https://www.javann.ir>.
26. <https://www.javanonline.ir>.